

پایه :	۱	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۳/۰۳/۱۸	ساعت :	۸

## نام کتاب: الموهب (از المقصد الفامس تا پایان کتاب)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. در جمله «أكرم زيداً وأعتق رقبة» به ترتیب ..... ب ۱۲۱
- أ. اطلاق باعتبار افراد و حالات است
- ب. اطلاق باعتبار حالات و افراد است
- ج. در هیچ یک، اطلاق وجود ندارد
- د. در جمله دوم اطلاق باعتبار حالات وجود دارد
۲. يشترط في حجية السيرة أن ..... د ۱۵۰
- أ. لا يكون راجعاً إلى تبين المفاهيم
- ب. لا يسكت المعصوم عنها
- ج. لا تصادم الدليل الشرعي و إن لم تتصل بزمان المعصوم
- د. لا تكون من السير الحادثة بعد رحيل المعصوم
۳. الاستدلال ..... على حجية خبر الواحد من أفضل الأدلة التي لا سبيل للنقاش فيها. ج ۱۷۰
- أ. بالاجماع
- ب. بآية البناء على طريق مفهوم الشرط
- ج. بالسيرة العقلانية
- د. بآية النبأ على طريق مفهوم الوصف
۴. إذا علمنا بكون الشخص كثير الشك و علمنا أيضاً ارتفاع كثرة شكه اجمالاً، و لكن احتمالنا ارتفاعها من رأس أو انقلابها إلى مرتبة ضعيفة فالاستصحاب ..... د ۴
- أ. يجرى في المرتبة الشديدة دون الضعيفة
- ب. لا يجرى مطلقاً
- ج. يجرى فقط في المرتبة الشديدة
- د. يجرى في الجامع بين المرتبتين

## تشریحی

\* المراد من حجية القطع ليس الحجة الاصولية و هي عبارة عما لا يستقل العقل بالاحتجاج به غير أن الشارع أو الموالى العرفية يعتبرونه حجة، لأن القطع غني عن إفاضة الحجية عليه.

۱. کیفیت حجیت قطع و حجیت حجج اصولی، چه تفاوتی دارد؟ ب. «لأن القطع...» تعلیل برای چیست؟
- أ. حجیت قطع ذاتی است یعنی عقل مستقلاً و بدون اعتبار معتبری آن را حجت می‌داند ولی حجیت حجج اصولی به اعتبار شارع یا موالی عرفیه است. ب. لأن القطع، تعلیل برای ذاتی بودن حجیت قطع است.
۲. آیا در موارد زیر «امثال اجمالی» کفایت از «امثال تفصیلی» می‌کند؟ چرا؟
- أ. ایتان الغسل الواحد مع تردد الواجب بين غسل الجنابة و مسّ الميت مع امکان الإمتثال التفصیلی.
- أ. يكفي امثال الإجمالی و إتيان الغسل الواحد، لأنّ الصّحة في العبادات رهن إتيان الفعل لأمره سبحانه و المفروض أنّه انما أتى به امتثالاً لأمره الواقعي.
- ب. إتيان الصلاتين إذا تردد أمر القبلة بين الجهتين مع امکان الإمتثال التفصیلی.
- ب. يكفي امثال الإجمالی لأنّ حقيقة الطاعة هو الإنبعاث عن أمر المولى و المفروض أن الداعي إلى الإتيان بكل واحد من الطرفين هو بعث المولى.

\* قال سبحانه: «... إن جاءكم فاسق بدياً فتبينوا أن تصيوا قوماً بجهالة فتصيوا على ما فعلتم نادمين» انه سبحانه علّق وجوب التبين على كون المخبر فاسقاً و هو يدل على عدم وجوب التبين في خبر العادل.

۳. کیفیت استدلال به مفهوم وصف در آیه نبأ برای اثبات «حجیت خبر واحد» را توضیح دهید.

استدلال: حکم وجوب تبیین و تفحص بر صفت فاسق مترتب شده پس اگر مخبر فاسق نباشد و عادل باشد، تبیین و تفحص واجب نیست و خبر او بدون تفحص حجت است تا اسوء حالاً از فاسق نباشد و این جواب مبتنی بر حجیت مفهوم وصف است.

\* استدلووا علی حجیة قول اللغوی بأن الرجوع إلى اللغوی من باب الرجوع إلى أهل الخبرة، و لا اشکال فی حجیة قول أهل الخبرة فیما هم خبره فیہ. اشکال علیه أن کون اللغوی خبيراً فی تعیین الموضوع له عن غیره غیر مسلمة.

۴. أ. صغری و کبرای استدلال را ذکر کنید. ب. اشکال مذکور در عبارت ناظر به کدام است؟ توضیح دهید.

أ. صغری: لغوی نسبت به تشخیص معانی الفاظ خبره است. کبری: قول اهل خبره در مورد خبره بودنشان حجت است. نتیجه: پس قول لغوی حجت است.

ب. صغری مورد اشکال است زیرا روش لغویین و خبریوت آنها مختص به ذکر معانی الفاظ است اما اینکه نسبت به تشخیص معانی حقیقی از معانی مجازی هم خبریوت داشته باشد، محل اشکال است.

۵. چرا بین قاعده «برائت عقلیه» با «وجوب دفع ضرر محتمل» منافات نیست؟

چون منشأ این احتمال یکی از این امورات است: أ. صدور بیان و وصول به عبد ب. تمسک به برائت قبل الفحص ج. عدم قبح عقاب بلا بیان د. مولا غیر حکیم و غیر عادل باشد. تمام این چهار مورد در فرض مجرای برائت عقلیه منتفی است.

\* إن العلم الاجمالي إذا انحل إلى علم تفصیلی و شک بدوی فلا یکون منجزاً، و یکون المشکوک مورداً للبراءة.

۶. حکم علم اجمالی در صورت انحلال چیست؟ با مثال بیان کنید.

منجز نیست. مثال: إذا علم بغصیبة أحد المالیین مع احتمال غصبیتها معاً، فإذا قامت البینه علی غصیبة احدهما المعین انحل العلم الإجمالي إلى تفصیلی بالحرمة و بدوی بالنسبة إلى آخر.

\* يستدل علی حجیة الاستصحاب ببناء العقلاء علی العمل علی وفق الحالة السابقة و لم یثبت الردع عنه من الشارع. و یلاحظ علیه: مضافاً إلى عدم کلیتها أنه یکفی فی الردع ما دل علی النهی عن اتباع الظن.

۷. استدلال و دو اشکال آن را کاملاً توضیح دهید.

دلیل: عقلاء بر طبق حالت سابقه شان عمل می کنند و شارع از این سیره عقلایی منع نکرده است.

اشکال: اولاً این عمل عمومیت ندارد و همیشه طبق حالت سابقه عمل نمی کنند ثانیاً شارع از این عمل منع کرده آنجا که فرموده به غیر علم عمل نکن و عمل طبق حالت سابقه مفید علم نیست.

۸. طبق سیره عقلاء قاعده اولیه در باب تعارض اخبار چیست؟ توضیح دهید.

قاعده اولیه تساقط متعارضین است زیرا دلیل حجیت خبر ثقه سیره عقلاء است و سیره عقلاء دلیل لبی است و اطلاق ندارد و باید به قدر متیقن اش اخذ کرد و قدر متیقن اش حجیت خبر ثقه در غیر صورت تعارض می باشد.

\* إن حدیث الرفع حدیث منة و امتنان.

۹. آیا در صورت اتلاف مال غیر از روی جهالت (عن جهل و نسیان) حدیث رفع جاری است؟ چرا؟

جاری نمی شود؛ چون حدیث رفع در مقام منت و امتنان است.